



پله پله تا ملاقات خدا

(۲)



لقاءی خدا؛ کی و چگونه؟

آن چه پیش رو دارید گزیده ای از سخنان حضرت آیه الله مصباح یزدی (دامت برکاته) در دفتر مقام معظم رهبری است که در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۳۰ مصاد شب ۱۹ رمضان ۱۴۲۶ ایراد فرموده اند. باشد تا این رهنمودها چراغ فروزان راه هدایت و سعادت ما قرار گیرد.

یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ ۱

«ای انسان؛ تو با زحمت و رنج به سوی پروردگارت حرکت می کنی و او را ملاقات خواهی کرد».

همان طور که گفته شد: هر گونه تغییر تدریجی را حرکت می نامند؛ بنابراین تحول تدریجی در روح انسان حرکت هم است و اگر به سوی خدا باشد، توان گفت که ما در حال حرکت به سمت خدا هستیم. واژه لقاء و ملاقات در جایی به کار می رود که دو چیز از هم فاصله داشته باشند و سپس به برسند.

وقتی خدا می خواهد از شدت عذاب برخی انسان ها سخن بگوید، اشاره می کند که این ها کسانی هستند که خدا در روز قیامت به آن ها نگاه کند و با آن ها حرف نمی زند.

در آیه مذکور که می فرماید:

«تو خدا را ملاقات خواهی کرد»، فرض بر این است که اکنون از خدا دور هستی و زمانی او را ملاقات خواهی کرد. ظاهراً این ملاقات، عام و متعلق به انسان ها است که در روز قیامت با خدا خواهند داشت؛ ولی ملاقات ویژه ای که به اولیای خدا تعلق دارد. آرزوی اولیای خدا و پیشوایان معصوم (عالم السلام) در دعاها و مناجات ها رسیدن به این لقاء ویژه است.

در تعبیرات قرآنی که درباره ملاقات با خدا داریم، همه جا «رب» و «الله» به صورت مفعول است؛ که مصدر به آن اضافه شده است: «لقاء الله» > ریکم» پس انسان است که دارد به طرف خدا می رود و او را ملاقات می کند.

بر اساس قرائن، این ملاقات در قیامت است. حال این پرسش مطرح می شود که پس چگونه بر اساس آیات قرآنی کسانی در روز قیامت از ملاقات با ممنوع هستند؟! «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ» ۲ (چنین نیست که می پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند!)

کفار و گردن کشان در روز قیامت با خدا ملاقات ندارند؛ در حالی که بر اساس آیه پیشین، همه انسان ها خدا را ملاقات خواهند کرد. احتمالاً ملاقات ندیدن منافات نداشته باشد؛ برای نمونه يك فرد نابینا کسی را ملاقات می کند، ولی او را نمی بیند. اما نکته این که عالم قیامت عالم ملاقات با معرفی شده این است که در بینش قرآنی عالم دنیا عالم حجاب و عالم آخرت عالم ظهور حقایق است چنان که می فرماید: لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ فَكْشِفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ۳ (به او خطاب می شود: [تو از این صحنه [و دادگاه بزرگ] غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و چشمت کاملاً تیزبین است!)

بنابراین آیه شریفه، به برخی انسان ها گفته می شود تو از این مطلب غافل بودی، البته دیگران هم نمی دیدند، مگر او حدی از اولیاء خدا، اما تو نه نمی دیدی، بلکه نسبت به این حقیقت غافل هم بودی، اما حالا که وارد این عالم شدی پرده را از جلوی چشم تو کنار زدیم. نمی فرماید: يك چیز جد خلق کرده ایم، بلکه می گوید: پرده را از جلوی چشمت کنار زدیم. نتیجه اش این شد که چشمت تیزبین شده و خوب می بیند! آن وقت اینان می گو

رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ می‌گویند: (پروردگارا! آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته‌ای را، دهیم؛ ما [به قیامت] یقین داریم!)

در تعبیرات قرآنی که درباره ملاقات با خدا داریم، همه جا «رب» و «الله» به صورت مفعول است: که مصدر به آن اضافه شده است: «لقاء الله» > ریکم» پس انسان است که دارد به طرف خدا می‌رود و او را ملاقات می‌کند.

پروردگارا، دیدیم آن چه پیغمبران به ما خبر دادند و قبلاً خیرش را شنیده بودیم و باور نمی‌کردیم، حالا دیگر دیدیم و شنیدیم و یقین کرده ایم، اما آن دیگر متأسفانه هیچ ارزشی ندارد؛ چون یقینی جبری است؛ چنان چه اگر آن یقین جبری در دنیا هم حاصل می‌شد سودی نداشت همان طور که می‌فرماید: **إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ** (اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان برابر آن خاضع گردد!)

آن یقینی ارزش دارد که شخص با اختیار کسب کند، درس بخواند، فکر کند و از کلمات انبیاء و اولیاء استفاده کند تا به یقین برسد، البته صرف اینها هد را به یقین نمی‌رساند، بلکه باید عمل انسان با علمش همخوانی داشته باشد تا یقین پیدا کند، والا مفاهیم تنها خیلی نقش تعیین کننده ای ندارند. بنابراین کسانی هستند که در روز قیامت با خدا ملاقات می‌کنند، ولی او را نمی‌بینند و از این وضع رنج می‌برند و اتفاقاً باید این گونه باشد. اگر آن احساس عطش نکند، از بی آبی درد نمی‌کشد، هرچند بدنش به آب نیاز داشته باشد. چند بار در عمرمان اتفاق افتاده که از دوری خدا رنج ببریم بکشیم و گریه کنیم؟ در این جهان نیاز به ملاقات خدا را درک نمی‌کنیم؛ ولی در عالم قیامت همه، این نیاز را درک می‌کنند.

بالاترین لذت انسان این خواهد بود که يك کلمه سخن خدا را بشنود. آن قدر احساس نیاز می‌کند که اگر نشنود از هر آتش جهنمی برایش سوزا خواهد بود. وقتی خدا می‌خواهد از شدت عذاب برخی انسان ها سخن بگوید، اشاره می‌کند که این ها کسانی هستند که خدا در روز قیامت به آن نگاه نمی‌کند و با آن ها حرف نمی‌زند. این عالم جای ملاقات با خدا و شنیدن سخن او نیست، در نتیجه احساس نیاز نمی‌شود؛ ولی آخرت عالم است که انسان ها این نیاز را درک می‌کنند و نمی‌یابند، آن وقت می‌سوزند. در این جا این پرسش مطرح می‌شود که چرا این جهان، جای ملا نیست؟ در پاسخ باید گفت: در این جهان انسان ها باید با اختیار و انتخاب خودشان راه درست را برگزینند و ببینند تا به کمال مطلوب برسند. اگر حقایق دین در این جهان به گونه ای بود که هیچ کس نتواند آن را انکار کند، تکلیف و امتحان معنا نداشت. این عالم برای همین است که افراد جوهر خود را نشان دهند و خوب و بد روشن شود: **الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا** (آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید کدام يك از شما بهتر عمل می‌کنید)

پس این جهان باید همراه با جهل و ابهام باشد؛ هدف از آفرینش انسان از بین نرود؛ ولی هنگامی که آزمایش پایان یافت، لزومی ندارد که حجاب باشد همین سبب وقتی از این عالم می‌رود، به تدریج پرده ها برداشته می‌شود. اهل برزخ، چیزهایی می‌بینند که در این جهان نمی‌دیدند. البته کس هستند که خدا گاهی پرده را از چشمشان بر می‌دارد و آن چه را که در برزخ باید دیده شود در همین جا می‌بینند؛ این ها استثناء است. می‌فرماید **يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ** (آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت [و پاهان کار] غافلند!) این چیزی که مردم می‌بینند ظاهری است؛ باطنی هم دارد که از آن غفلت دارند. **إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ سَبِيلًا** آن هابی که اموال یتیمان را به ناحق می‌خورند گمان می‌کنند لذت آور است، غافل از این که آتش می‌خورند! دنیا زدگان غافل هستند و غفلت داشتن با ندیدن متفاوت است.

بنابراین نسبت دنیا به آخرت شبیه نسبت ظاهر به باطن است. در قیامت، پرده ها کنار می‌رود **يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ** آن چه در دل ها نهفته است آن می‌شود: **يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَيَّ اللَّهُ مِنْهُمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ** ۱۰ (روزی که همه آنان آشکار می‌شوند و چیزی از آنها بر خدا پنهان نخواهد ماند؛ [و گفته می‌شود:] حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای است!)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا ۱۱ (و [در قیامت]، همه آنها در برابر خدا ظاهر می‌شوند)؛ بنابراین بین ما و حقیقت پرده است؛ ولی ما با سرعت در حال حرکت به آخرت هستیم. هر روزی که از عمرمان می‌گذرانیم، يك گام به آخرت نزدیک می‌شویم البته این سیر برای ما چندان آسان نیست. **لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ كَبَدًا** ۱۲ زندگی در این جهان، همراه با رنج است.

ویژگی بهشت این است که هیچ رنجی در آن نیست. وقتی وارد آن جهان شویم و پرده ها برداشته شود، می‌فهمیم که با چه کسی طرف هستیم این جهان قدرت های گوناگونی وجود دارند؛ به همین جهت در جهان آخرت پرسیده می‌شود: **يَمَّنَ الْمَلِكُ الْيَوْمَ** ۱۳ امروز قدرت در دست کیست؟ جوابی داده نمی‌شود جز **لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ** ۱۴ يك قدرت یگانه هست که همه چیز را در قبضه خودش دارد، آن هم الله است.

در تعبیرات قرآنی که درباره ملاقات با خدا داریم، همه جا «رب» و «الله» به صورت مفعول است: که مصدر به آن اضافه شده است: «لقاء الله» > ریکم» پس انسان است که دارد به طرف خدا می‌رود و او را ملاقات می‌کند.

آن جا روشن می‌شود که سر و کار همه با الله هست و هیچ کس دیگر کاره ای نیست. آن جا عالم ملاقات با خدا است؛ البته خداوند متعال هم هست: **فَأَيُّهَا تَوَلَّوْا قَوْمَهُ وَجْهَ اللَّهِ** ان الله واسع عليم. ۱۵ (به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی‌نیاز و داناست!)

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۱۶ (او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود؛ و او حکیم و عليم است ولی این جا ما با خدا ملاقات نداریم، در آن جهان است که همه باید با خدا ملاقات کنند؛ البته برخی از آن ملاقات چنان غرق در لذت می‌شوند خودشان را هم فراموش می‌کنند، گروهی هم مانند تشنه ای هستند که چندین روز آب نخورده است و برای يك جرعه آب خنک، بی تابی می‌کند؛

